

A Study of the Requirements of Ethnic Policymaking and its Impact on the Efficiency of the Islamic Republic of Iran¹

Rasoul Afzali¹, Yashar Zaki², Abolghasem Mahmoodi³

1. Associate Professor at the Department of Political Geography and a Faculty Member of the University of Tehran, Tehran, Iran. rafzali@ut.ac.ir

2. Assistant Professor at the Department of Political Geography and a Faculty Member of the University of Tehran, Tehran, Iran. Yzaki@ut.ac.ir

3. PhD in Political Geography at University of Tehran, Tehran, Iran. mahmoodi_ghasem@ut.ac.ir

Abstract

The purpose of the present study is to review the requirements of ethnic policymaking and management in order to achieve national integrity and enhance the efficiency of the Islamic Republic of Iran with respect to the existing structures and factors. The method of study is descriptive-analytic and it aims to find an answer to this main question: What are the most important requirements of ethnic policymaking in Iran with regard to its centralized unitary structure of government? The results show that it is through considering the requirements of policymaking in terms of optimal management of the realm of the country and its inhabitants that the best method for implementing policies can be selected. This issue can ultimately lead to using the potentials of natural and human geography that guarantee national security and achievement of national goals. Furthermore, having a systematic approach, paying attention to the cultural geography of the country, and balanced development are among some other requirements of ethnic policymaking. Considering these needs and paying attention to the influential components in management of ethnic varieties have a positive impact on the efficiency of the Islamic republic of Iran and display its practical effectiveness in performing its duties toward the citizens' expectations.

Keywords: Ethnic Policymaking, Political Organizing of Space, Political Management, Iran, Cultural Geography.

1. **Received:** 2019/11/24; **Accepted:** 2021/09/21

© the authors

<http://sm.psas.ir/>

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



بررسی الزامات سیاست گذاری قومی و تاثیر آن در کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران^۱

رسول افضلی^۱، یاشار ذکی^۲، ابوالقاسم محمودی^۳

۱. دانشیار، گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. rafzali@ut.ac.ir

۲. استادیار، گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. Yzaki@ut.ac.ir

۳. دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول). mahmoodi_ghasem@ut.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی الزامات سیاست گذاری و مدیریت قومی در جهت دستیابی به هم‌گرایی ملی و افزایش کارآمدی نظام سیاسی جمهوری اسلامی با توجه به ساختارها و عوامل موجود است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و درصدد پاسخ به این سوال اصلی است که مهم‌ترین الزامات سیاست گذاری قومی در ایران با توجه به ساختار بسیط متمرکز حکومت ایران کدامند؟ نتایج نشان می‌دهد که با مدنظر داشتن الزامات سیاست‌گذاری که در راستای مدیریت بهینه عرصه سرزمین و ساکنان آن است می‌توان بهترین شیوه را برای اجرای سیاست‌ها انتخاب کرد. این امر در نهایت می‌تواند باعث استفاده از توانایی‌های جغرافیای طبیعی و انسانی کشور شود که تضمین امنیت ملی و دستیابی به اهداف ملی خواهد بود. همچنین داشتن رویکرد سیستمی، اهتمام به جغرافیای فرهنگی کشور و توسعه موزون از الزامات سیاست‌گذاری قومی هستند. مدنظر داشتن این الزامات و اهمیت دادن به مولفه‌های تاثیرگذار در مدیریت تنوعات قومی، بر کارآمدی نظام جمهوری اسلامی تاثیر مثبت گذاشته و کارآمدی آن را در عرصه عمل و ایفای وظایف خود در قبال انتظارات شهروندان نشان می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: سیاست‌گذاری قومی، سازماندهی سیاسی فضا، مدیریت سیاسی، ایران، جغرافیای فرهنگی.

۱. مقدمه

کارآمدی نظام‌های سیاسی موضوعی با اهمیت است، زیرا نظام سیاسی، به‌عنوان گسترده‌ترین و کلان‌ترین ساحت نظام اجتماعی، در صورت کارآمد بودن، تحقق اهداف سایر نظامات اجتماعی را تسهیل می‌کند. کارآمدی برای نظام جمهوری اسلامی ایران نیز به دلیل مدعای تأسیس نظام نوین مردم‌سالاری دینی، اهداف و الزامات آن حائز اهمیت است (قیصری و قربانی، ۱۳۹۴: ص ۱۳۰). این امر هم ثابت شده است که اگر دولت‌ها و نظام‌های سیاسی بخواهند دوام و بقا داشته باشند، لاجرم باید کارآمدی خود را به اثبات برسانند که نتیجه حداقلی آن تأمین عنصر حمایت ذهنی افراد جامعه از حکومت خواهد بود (ره‌دار و موسوی شربیانی، ۱۳۹۹: ص ۲۱۳). در کشور ایران، ما شاهد قومیت‌های گوناگون هستیم و وضعیت این قومیت‌ها را باید در یک بستر جغرافیایی و تاریخی مورد جستجو و ارزیابی قرار داد. وجود قومیت‌هایی که در ایران زندگی می‌کنند، موجب می‌شود سیاست‌گذاران با تنوعی از نیازها و خواسته‌ها روبه‌رو بوده و همین امر وظیفه دست‌اندرکاران مدیریت قومی را در تأمین خواسته‌های آنها پیچیده‌تر می‌کند و از آنجایی که تنوع قومی اغلب با اتکاء به تفاوت‌های فرهنگی و مذهبی و متغیر بودن واکنش قومیت‌ها در مقابل رویدادهای مختلف شکل می‌گیرد، مدیریت صحیح تنوع قومی، اجتناب‌ناپذیر است، زیرا این تنوع قومی اگر به درستی هدایت نشود، منجر به گسست‌های سیاسی و ضربه به وحدت ملی و در نتیجه موجب آسیب به امنیت ملی می‌شود. جمهوری اسلامی با تأکید بر هویت اسلامی - ایرانی از این دو عامل به عنوان ملاک مشروعیت و به دنبال آن کارآمدی خویش یاد می‌کند. کارآمدی از مهم‌ترین اهداف و رمز بقای هر نظام سیاسی محسوب می‌شود و مردم و باورهای آنان می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در کارآمدی نظام سیاسی ایفا کنند (عسگری، ۱۳۹۶: ص ۳). امروزه باید این واقعیت را نیز در نظر داشت که هر حکومتی ممکن است در عرصه تحقق وظایف خود با درجه‌ای از ناکارآمدی مواجه شود و این در حالی است که کاهش کارآمدی، بیماری گریزناپذیر همه نظام‌های سیاسی بوده و نظام‌های موفق آنهایی هستند که با ارائه راهکارهای نظری و عملی به طور مداوم، سعی در علاج این بیماری موسمی دارند، هرچند این مداوا قطعی نیست، بلکه زمان‌مند و موقت است، اما حتی نظام‌های کارآمد نیز خود را از این تلاش پیگیر بی‌نیاز نمی‌دانند و به دنبال تجربه راه‌های جدید برای افزایش کارآمدی خود هستند (حسین‌زاده، ۱۳۹۳: ص ۳۸). لذا، ضرورت دارد ضمن بازاندیشی و ارزیابی رویکردها و رفتارهای سیاسی پیشین (چه از سوی دولت مرکزی و چه از سوی نخبگان قومی)، به جستجو و ارائه راهکارها و سیاست‌های قومی مناسب، معقول و کارگشا در راستای پاسخگویی مطلوب و منطقی به

خواسته‌ها و مطالبات قومی با تأکید بر عناصر و مؤلفه‌های هویت ملی گام برداشت، زیرا بیشتر آثار، نگرشی تقلیل‌گرایانه به این مسئله داشته‌اند، یعنی تنها به بخشی از عوامل سازنده هویت ملی از جمله دین، نقش اساطیر و تاریخ باستانی ایران، زبان و... توجه کرده و عناصر دیگر آن را نادیده گرفته‌اند (دیلمقانی و قاسمی‌ترکی، ۱۳۹۶: ص ۱۶۹). اهمیت این موضوع هنگامی نمایان می‌شود که دریابیم از منظر جغرافیای سیاسی، ساختار فضایی - جغرافیایی ملت ایران به گونه‌ای است که به دلیل استقرار گروه‌های قومی در مناطق مرزی، در این مناطق به صورت بالقوه امکان بروز تمایلات واگرایانه و یا جستجوی هویت‌های سیاسی معنادار مبتنی بر پیوندها و انگاره‌های قومی وجود دارد. بر این مبنا است که الزامات سیاست‌گذاری بایستی به نحوی صورت پذیرد که میزان کارآمدی ارکان نظام سیاسی را نشان دهد.

در این راستا، برای درک بهتر و تبیین دقیق‌تر اصول طراحی سیاست‌گذاری قومی برای ناهمگونی قومی و تفاوت‌های زبانی، مذهبی و فرهنگی در درون جامعه پیچیده و چند فرهنگی قومی ایران، این پژوهش در نظر دارد الزامات سیاست‌گذاری قومی در ایران را با توجه و مدنظر قرار دادن ساختار حکومتی ایران که بسیط متمرکز است، بررسی نماید. از آنجا که گروه‌های قومی ساکن در حاشیه ایران دارای دنباله در ورای مرزها و در کشورهای همجوار می‌باشند، سیاست‌گذاری مناسب و سازماندهی مطلوب می‌تواند خطرات واگرایی، شکاف‌ها و تعارضات را کاهش داده و کارآمدی ساختار اداری - سیاسی کشور را در اداره مطلوب مناطق قوم‌نشین و به تبع، نگاه قومیت‌ها به نظام جمهوری اسلامی را بهبود ببخشد.

۲. مبانی نظری

۲-۱. مدیریت سیاسی فضا^۱

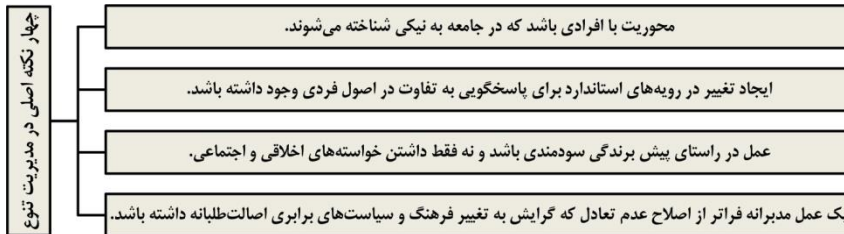
مدیریت سیاسی فضا در بُعد ملی عبارت است از اداره سیاسی فضا به منظور دستیابی به اهداف ملی با دیدگاه همه جانبه، آینده‌نگر و راهبردی و با در نظر گرفتن محدودیت‌های طبیعی، انسانی و اقتصادی در فضاهای جغرافیایی (ملی و منطقه‌ای) و توسعه پایدار سرزمینی. مدیریت سیاسی فضا از طریق سازمان‌ها و نهادهایی که در سرزمین مستقر می‌باشند، اعمال اراده می‌کند. در مدیریت سیاسی فضا، بقاء سازمان تابع ضرورت سازمان و نیاز محیط به آن است (حافظ‌نیا و همکاران، ۱۳۹۲: ص ۱۸). ساختار سازمان چگونگی

1. Political management of space

تخصیص وظایف را مشخص می‌کند که حاصل فراگرد سازماندهی و طراحی سازمان بوده و مشتمل بر مجموعه روابط، مقررات و قوانینی است که به صورت رسمی و غیررسمی شکل گرفته، اما به طور رسمی تصویب شده است (Carlisle, 1976: P.331). پیشرفت، توسعه، عدالت محیطی و برقراری امنیت، بنیاد مدیریت سیاسی فضای ملی محسوب می‌شوند (کاویانی‌راد، ۱۳۸۹: ص ۴۵).

۲-۲- مدیریت تنوع، محرک، محورها و چالش‌ها

مدیریت تنوع فقط در مورد مدیریت یک حساسیت شخصی و مهارت عمومی در مسیر تجارب پیچیده نیست، بلکه یک روش قدرتمند برای ترغیب مطالعات به مفهوم‌دهی ساختارمند چالش‌های نگرش جمعی و فهم آنها به وسیله ارتباط اطلاعات جدید با تجارب شخصی است (اسمیت، ۱۳۷۷: ص ۱۸۸). «شواهد نشان می‌دهد که مدیریت تنوع برعکس بسیاری از برنامه‌ها که در اجرا به مذاق بسیاری خوش نمی‌آید، در جامعه به عنوان مفهوم موفق و جذاب برای مباحثی چون جنسیت و قومیت مورد توجه قرار گرفته است». این جوامع، برای زن‌ها و گروه‌های اقلیت، بسیار جذاب هستند؛ چرا که یک محیط با فرهنگ واقعی می‌تواند فرصت مساوی حضور را ایجاد کند (None name, 2006: P.30). به طور کلی به گفته میلیکن و مارتینز^۲ «تنوع به صورت یک شمشیر دو لبه ظاهر شده که اگر خوب مدیریت شود، فرصت را برای خلاقیت و نوآوری ایجاد می‌کند؛ از طرف دیگر، اگر مدیریت مناسبی نداشته باشد، احتمال دارد که اعضای گروه ناراضی شوند و هویت اهداف گروهی از بین برود» (Waters & Vang, 2005: P.8). اجماع عمومی دانشمندان علوم رفتاری در مدیریت تنوع بر چهار نکته اصلی استوار است:



شکل ۱- چهار نکته اصلی در مدیریت تنوع (Bajawa & Woodall, 2006)

1. Diversity Management
2. Milliken & Martinz

مباحث کلاسیک، دورهیافت برای مدیریت تنوع در نظر می‌گیرد:

۱. رهیافت لیبرالی که روی قضاوت اجتماعی تمرکز دارد، یعنی روندهای اخلاقی که با همه یکسان برخورد می‌کند. ۲. رهیافت رادیکالی که تمرکز آن بیشتر روی توزیع مناسب مزایا برای رسیدن به درآمد مساوی است (Bajawa & Woodall, 2006: P. 81).

به طور کلی برای تبیین و توسعه هر مفهومی، نیاز به عواملی است که بتواند به صورت دلیل و برهان آن را اثبات کند و موجب تحریک تصمیم‌گیرندگان به استفاده از آن شود، در جدول شماره (۱)، این محرک‌ها همراه با اهداف به تصویر کشیده شده است.

جدول ۱- محرک و اهداف مدیریت تنوع (Bogaert & Vloeberghs, 2005: P.489)

محرک	اهداف
ایدئولوژیکی	خلاقیات و اتحاد ملی
اقتصادی	افزایش سطح کیفی خدمات
جغرافیایی	یکسان‌سازی و اتحاد
قانونی	تعهد بیشتر

برای هر مفهوم، محورهای تعریف می‌شود تا اجزای آن مفهوم به نحوی واضح‌تر و عملیاتی‌تر شود. مدیریت تنوع نیز از این قانون مستثنی نیست. در جدول (۲) این مسئله قابل مشاهده است.

جدول ۲- محورها و فعالیت‌های اصلی در مدیریت تنوع (Thomas, 1996: P.13)

محورها	فعالیت‌ها
محدودیت / شمولیت	شمولیت به وسیله گسترش افراد و متغیرها در بخش‌های ترکیبی با محدودیت به وسیله کمینه کردن افراد و متغیرها در بخش‌های مختلف
انکار	کمینه کردن آمیزه تنوع به وسیله توجیه تفاوت‌ها
مشابه‌سازی	کمینه کردن آمیزه تنوع به وسیله پافشاری روی گروه‌های اقلیت برای وفق دادن خود با هنجارها و مشخصه‌های محدودکننده
خنثی کردن	کمینه کردن آمیزه تنوع به وسیله از بین بردن آن از ائتلاف‌های اصلی و توجه به آن به عنوان ائتلاف فرعی
تفکیک‌سازی	توجه به تنوع به وسیله جداسازی بخش‌های تفاوت‌ساز براساس تفاوت
مدارا کردن	توجه به تنوع به وسیله پرورش اتاق نگرش همگانی که امکان تعاملات محدود را میان بخش‌های مختلط را می‌دهد.
روابط‌سازی	توجه به تنوع به وسیله پرورش کیفیت روابط - با فهم و پذیرش - میان بخش‌های مختلط
پرورش پذیرش متقابل	توجه به تنوع به وسیله پرورش پذیرش‌های متقابل، به نحوی که همه بخش‌ها برای رسیدن به اهداف مشترک، برخی چیزها را تغییر دهند

در مورد چالش‌های مدیریت تنوع می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. **تعریف کلی از تنوع:** یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های مدیریت تنوع تعریف دقیق تنوع است،
۲. **عدم اطمینان از آغاز طرح تنوع:** آغاز طرح‌های تنوع همیشه با مقاومت نیروی کار و برخورد احساسی با آن روبه‌رو است که موجب کند شدن روند اجرا و همچنین ترس از اجرای آن می‌شود،
۳. **الزام قانونی یا مزیت رقابتی:** برخی اجرای مدیریت تنوع را در محدوده پاسخگویی به الزامات قانونی کافی می‌دانند؛ در حالی که توجه به مدیریت تنوع به عنوان ابزاری برای رسیدن به مزیت رقابتی، می‌تواند اثرات بیشتری را بر سازمان داشته باشد،
۴. **مدیریت همگن:** اداره سطوح بالایی سازمان توسط افرادی با نگرش، قومیت یا ویژگی‌های خاص یکسان، موجب می‌شود که حرکت و رسیدن به سمت مدیریت تنوع، ذهنیت خارج شدن اداره سازمان از حالت همگونی داشته باشد (Waters & Vang, 2005: P.18).

۲-۳. کارآمدی

از نظر لغوی، کلمه کارآمدی معادل واژه effectiveness می‌باشد و در متون انگلیسی با این تعبیر از آن بحث می‌کنند. این اصطلاح در زبان فارسی به تأثیر، سودمندی، اثربخشی، کارایی و فایده ترجمه شده است (جعفری، ۱۳۸۹: ص ۲۲). یکی از عمده‌ترین تعاریف کارآمدی مساوی است با موفقیت در راه تحقق اهداف با توجه به منابع (فرصت‌ها) و موانع (چالش‌ها) (فتحعلی، ۱۳۸۹، به نقل از: بابایی ساخمرس، ۱۳۹۸: ص ۲۱۵). اصطلاح کارآمدی بیشتر در سه قلمرو مدیریت، اقتصاد و سیاست کاربرد دارد. در فرهنگ علوم سیاسی این اصطلاح به اثربخشی، تأثیر، توانایی نفوذ، کفایت، قابلیت و لیاقت معنا شده است. در تعریف دیگری کارآمدی با کارایی مترادف گرفته شده و این‌گونه تعریف گردیده است: قابلیت و توانایی رسیدن به هدف‌های تعیین شده و مشخص. سنجش مقدار کارایی از طریق مقایسه مقدار استاندارد با هدف یا مقدار کیفیتی که عملاً به دست آمده است، انجام می‌شود (آقابخشی، ۱۳۸۹: ص ۴۴۶). در فرهنگ اقتصادی، کارآمدی و کارایی، مترادف گرفته شده و چنین تعریف گردیده است: استفاده مطلوب از منابع یا عوامل تولید یا قابلیت و توانایی رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده (گلریز، ۱۳۹۲: ص ۵۲). در مدیریت، کارآمدی به درجه و مقداری که یک اقدام یا فعالیت به هدف پیش‌بینی شده نایل می‌شود (فرنچ، ۱۳۹۴: ص ۲۱۱)، یا به نسبت ستاده‌ها به نهاده‌ها، تعریف شده است (زاهدی، ۱۳۹۰:

ص ۱۱۱). برای تعیین ملاک و فاکتور لازم برای ارزیابی کارآمدی یک حکومت، باید عوامل مختلفی را مدنظر قرار داد و براساس این عوامل کارآمدی و ناکارآمدی یک حکومت را تعیین کرد. اهداف در بحث کارآمدی، تابع نظام ارزشی است. نظام ارزشی نیز به طور کلی تابع نظام جهان‌شناسی می‌باشد. علاوه بر اهداف، نظام ارزشی بر برخی امکانات و موانع نیز تأثیرگذار است. بنابراین، کارآمدی هر نظام با توجه به جهان‌بینی و نظام ارزشی آن مشخص می‌گردد (مرتضوی، ۱۳۷۸: ص ۱۰). کارآمدی یک نظام سیاسی دارای فرایندی مشخص است، آنگونه که با به‌کارگیری موثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی‌ها شروع می‌شود و با سازماندهی منابع و امکانات، هدایت و کنترل شده و در انتها با دستیابی به اهداف سازمانی پایان می‌یابد (رضائیان، ۱۳۹۵: ص ۶). آنچه در این فرایند مهم است، دستیابی به اهداف تعیین شده با کم‌ترین هزینه می‌باشد (گلریز، ۱۳۹۲: ص ۱۷۱). هرچند که لازم است این دستیابی به اهداف باید با نیازها و خواسته‌های شهروندان هم‌راستا و هماهنگ باشد (Esty, 2006: P.1506). به این ترتیب اثربخشی در یک نظام را می‌توان دربرگیرنده نتایج حاصل از عملکرد آن سیستم دانست (هیوز، ۱۳۹۷: ص ۷۵).

۳. روش‌شناسی تحقیق

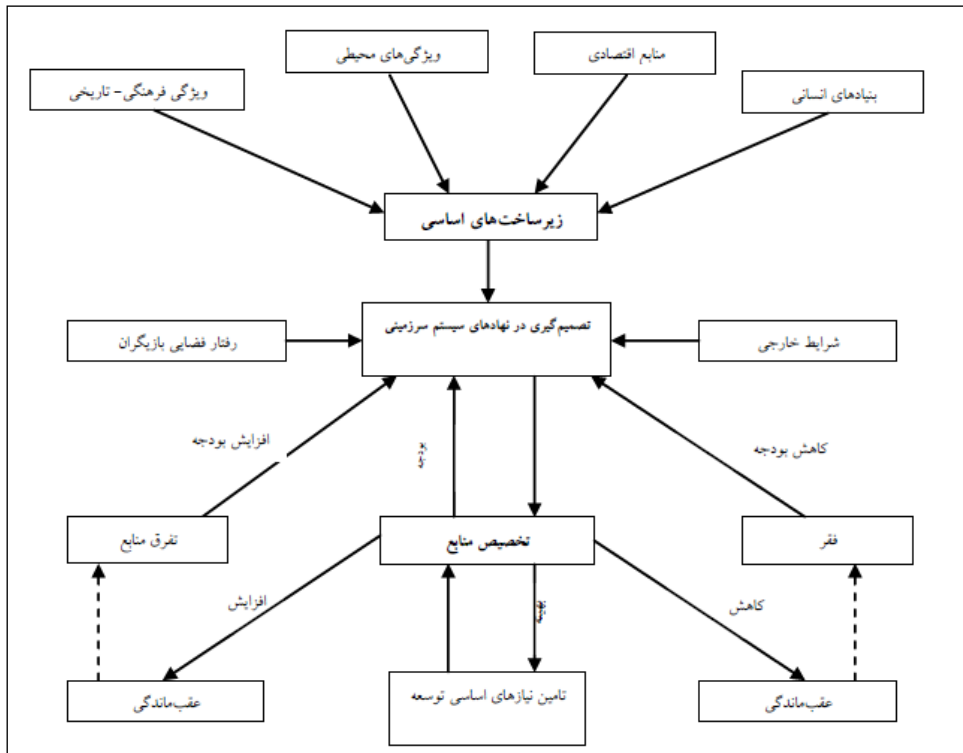
با توجه به ماهیت و نوع موضوع مورد مطالعه، نحوه گردآوری اطلاعات بر مبنای روش کتابخانه‌ای و استفاده از کتب، مقالات و مجلات مرتبط بوده است. روش تجزیه و تحلیل این تحقیق نیز از نوع کیفی بوده که براساس استدلال و تبیین نگارندگان انجام شده است. در این تحقیق با توجه به رویکرد توصیفی بودن آن، محقق به توصیف وضعیت فعلی سیاست‌گذاری قومی پرداخته و الزامات سیاست‌گذاری قومی را بررسی می‌نماید. با توجه به اینکه تحقیقات توصیفی هم جنبه کاربردی و هم جنبه بنیادی دارد، تحقیق حاضر، در زمره تحقیقات توسعه‌ای و کاربردی قرار می‌گیرد.

۴. یافته‌های تحقیق

۴-۱. طراحی سیستم‌های سرزمینی بسیط

اتخاذ تدابیر و خط‌مشی‌ها در ارتباط با سازماندهی فضا، از طریق ساختارهای سازمانی حکومت و نهادهای مرتبط با آن صورت می‌گیرد. در این نهادها مسائل و مشکلات تصمیم‌گیری اساسی در ارتباط با بهینه‌سازی منابع بالقوه و چگونگی تخصیص آنها بررسی می‌شود. بدیهی است که منابع اساسی تفاوت

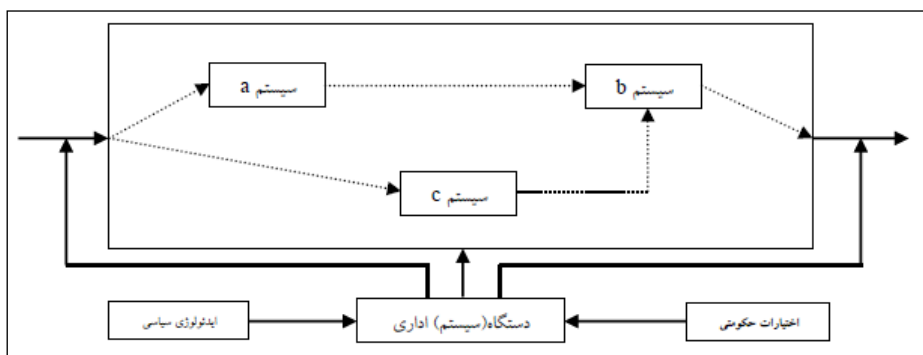
در خصیصه‌های اقتصادی، انسانی، شرایط جغرافیایی، ویژگی‌های تاریخی و فرهنگی دارای پیچیدگی ویژه‌ای هستند. این خصیصه‌ها و ویژگی‌ها، یک سیستم سرزمینی را نسبت به دیگر سیستم‌های سرزمینی متمایز می‌کند. تصمیم به استفاده از این منابع نشانگر نوع سازماندهی فضا توسط حکومت است.



شکل ۲- تصمیم‌گیری در نهادهای سیستم‌های سرزمینی
(Janos, 2000: p.65؛ به نقل از: میرشکاران، ۱۳۹۲: ص ۸۴)

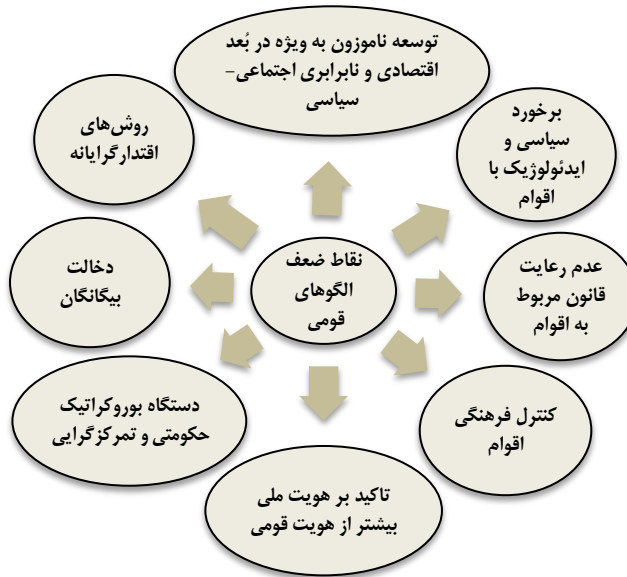
در سیستم سرزمینی بسیط که تاکید بر تقویت ارکان حکومت و گسترش آن در تمام سطوح فضایی و ساختی دارد، دولت مرکزی صلاحیت و اختیار وضع قوانین، مقررات، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها را دارا بوده و سیاست‌ها و اوامر آن برای کارکنان و سازمان‌های محلی لازم‌الاجرا است. در چنین شرایطی پس از تصویب قوانین در مجلس، جهت اجرا به قوه مجریه ابلاغ شده و در تمام نقاط کشور به صورت یکنواخت اجرا می‌گردد و مجریان قانون از خود حقی بر تغییر آن یا تجاوز از حدود آن را ندارند و ملزم به اجرای

یکنواخت آن هستند. از آنجا که قانون‌گذاری در سیستم متمرکز از سوی مقامات مرکزی در ارتباط با امور محلی صورت می‌گیرد، با شرایط منطقه‌ای و واقعیت‌های محلی سازگاری لازم را ندارد. لذا، فقدان رویکرد محلی و خصلت‌ها و ویژگی‌های واحدهای جغرافیایی منطقه‌ای یا محلی از نقایص قانون‌گذاری در سیستم متمرکز به شمار می‌رود، چرا که فضای جغرافیایی در این سیستم به صورت یکسان انگاشته شده و تفاوت‌های جغرافیایی و انسان‌های مستقر آن بدون تفاوت و تنوع لحاظ می‌گردند. سیستم‌های سرزمینی بسیط دارای روابط یکسویه و از بالا به پایین می‌باشند. هر چند در بعضی از این سیستم‌ها تعاملات فضایی در سطح بالایی قرار دارد، اما روابط یکسویه باعث میل شدید این سیستم‌ها به سمت تمرکز شده و در این صورت روابط مرکز- پیرامون تشدید می‌گردد که تعادل فضایی را برهم خواهد زد. تصمیمات سیاسی در این سیستم‌ها متأثر از دو متغیر ایدئولوژی آرمانی و اختیارات حکومتی خواهد بود و دستگاه اداری در ورودی، خروجی و محیط سیستم سلطه کامل داشته و تصمیمات تنها از یک منبع صادر می‌گردد.



شکل ۳- نظام تصمیم‌گیری در سیستم سرزمینی بسیط
(Ianos, 2000: P.57) به نقل از: رومینا، ۱۳۹۰: ص ۷۰)

۴-۲. نقاط ضعف الگوهای قومی



شکل ۴- نقاط ضعف الگوهای قومی (محمودی و همکاران، ۱۳۹۸: ص ۳۰۲)

نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که الگوهای اتخاذ شده برای اقوام، با برنامه‌ریزی نامتوازنی همراه بوده و نقاط مختلف از فرصت‌های توسعه‌ای برابر برخوردار نبودند. توسعه مراکز اصلی و تمرکز بر سطوح فرهنگی و هویتی یکسان، اتخاذ روش‌های اقتدارگرایانه، بی‌توجهی به عناصر برابری‌جویانه همانندسازی ساختاری، از نقاط ضعف الگوها به شمار می‌آیند. همچنین تمرکز شدید ساختار مدیریتی موجود در ایران باعث نابرابری دستیابی به توسعه انسانی در میان گروه‌های قومی متنوع کشور شده است. مناطقی که گروه‌های قومی در آنها ساکن هستند، توسعه نیافته و عدم تعادل‌های منطقه‌ای میان مناطق قومی نیز تداوم یافته است. توسعه ناموزون میان مناطق قومی کشور موجب افزایش نابرابری‌های اجتماعی میان آنها در جامعه ایران شده و تداوم توزیع نامتعادل و ناعادلانه امکانات و منابع میان گروه‌های قومی، نابرابری‌های اجتماعی را تشدید کرده است (سیف‌اللهی و حافظ‌امینی، ۱۳۸۸: ص ۷۲). لذا، دولت مرکزی در مناطق پیرامونی همواره از بحران مشروعیت رنج می‌برد و این فقدان مشروعیت در کنار سایر عوامل از قبیل توسعه ناموزون، سیاست‌های یکسان‌سازی و دخالت بیگانگان، زمینه را برای ظهور جنبش‌های

ناسیونالیستی قومی در مواقع بحرانی آماده می‌کند. سیاست‌های اتخاذ شده درباره مدیریت اقوام در حوزه‌های مختلف (اجتماعی، فرهنگی) بدون در نظر گرفتن گرایش‌های عمومی اقوام و بدون توجه به زیرساخت‌های اجتماعی و فرهنگی شرایط آنان و با روش‌های اقتدارگرایانه برای انجام آنها صورت گرفته است. استقرار فرهنگ مدیریت مبتنی بر مدیریت متمرکز، مشارکت گروه‌های قومی را دچار مسأله کرده و سیاست‌های کنترل فرهنگی و یکدست‌سازی فرهنگی، مذهبی، قومی و نژادی نسبت به گذشته با چالش‌هایی جدی مواجه شده است. همین ویژگی، ساختار و کارکرد مدیریت سیاسی یکسویه جامعه را فاقد اقتدار قانونمند در برنامه‌ریزی اقتصادی- اجتماعی واقع‌بینانه کرده است (محمودی و همکاران، ۱۳۹۸: ص ۳۰۳).

۵. الزامات سیاست‌گذاری قومی

برای طراحی بهینه الگوهای سیاست قومی در کشور باید به چند مورد ذیل توجه اساسی داشت تا کارآیی این الگوها به حد نهایت خود رسیده و براساس سازوکارهای ایجاد شده، بهره‌برداری مناسبی از امکانات و توان بالقوه منابع طبیعی و انسانی در مسیر توسعه موزون مناطق مختلف کشور، ارتقای امنیت ملی، پوشش حفره‌های دولت در پهنه سرزمینی، افزایش کارآمدی ساختار اداری- سیاسی، تقویت قلمرو موثر ملی و... انجام پذیرد. مسلم است که حکومت و سیاست حاکم بر آن، دارای نقش اساسی در تأسیس و شکل‌گیری، بالندگی و حفظ و بقای تمدن نوین اسلامی است؛ چرا که با تدبیر درست و سیاست کارآمد است که راه رسیدن به هدف غایی تمدن نوین اسلامی هموار می‌شود (جمشیدی‌راد و ادیب‌بهروز، ۱۳۹۸: ص ۱۱۶).

۵-۱. ضرورت رویکرد سیستمی به موضوع سیاست‌گذاری

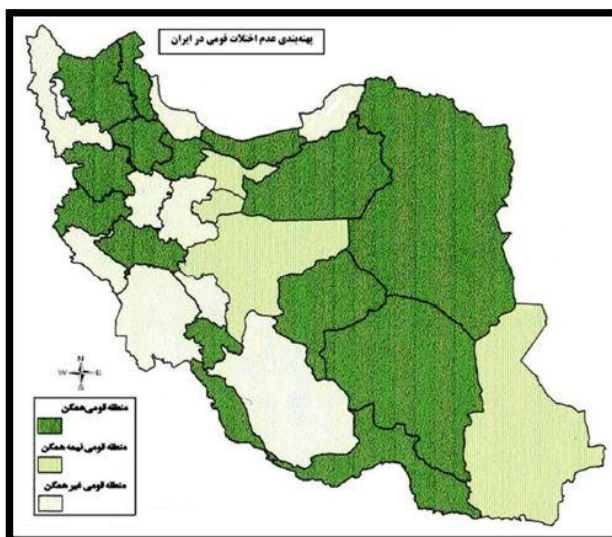
شاید مهم‌ترین و جامع‌ترین رویکرد در مطالعات و پژوهش‌های علمی، رویکرد سیستمی باشد. این نگرش به ما کمک می‌کند که تمامی اجزاء موثر در فرایندهای جغرافیایی- سیاسی را بررسی نماییم. نگرش سیستمی در طراحی سیستم‌های فضائی- سیاسی با مدنظر قرار دادن اصل تشخیص نقاط قوت و شناخت قابلیت‌های سیستم و اصل تشخیص نقاط ضعف و بررسی کاستی‌هایی که در سیستم سرزمینی وجود دارد، می‌تواند به کارکرد سیستم کمک نموده و توان آن را در انجام وظایف یاری نماید؛ طراحی الگوها در جهت سیاست‌گذاری برای مدیریت فضائی و سیاسی کشور از قبیل سیاست‌های قومی که با سرزمین، سیاست، فرهنگ، تنوع قومیتی پیوند خورده است، ضرورت رویکرد سیستمی را ایجاب می‌کند، زیرا هر

کدام از این مولفه‌های یاد شده دارای عناصری هستند که بایستی با هم بررسی گردد و همه مسائل چه در سطح خُرد و چه در سطح کلان نظیر منابع طبیعی، جمعیت، فعالیت‌ها، زیرساخت‌ها، روابط و حرکات و... تبیین شود. چنانچه در طراحی الگوهای سیاست‌گذاری و مدیریت قومی، اجزاء تشکیل‌دهنده این بخش‌ها بتوانند نقاط ضعف خود را با استفاده از عناصر پوشش داده و رفع کنند و از کارکردهای هم‌تکمیلی برخوردار باشند، به واسطه فعالیت‌های فضایی و شکل‌گیری روابط فضایی باعث ارتقاء سازمان فضا شده، سیستم به سوی هم‌گرایی سوق یافته و در نتیجه تعادل سیستمی بوجود می‌آید. در چنین سیستمی تمام نیروها در جهت تعادل طراحی شده و در حرکت می‌باشند که حاصل آن ساختار سیستمی با آنتروپی منفی و بقای سیستم است. به عبارت دیگر، رویکرد سیستمی به سازمان سیاسی فضا، کارکرد و نوع مدیریت سیاسی فضا را تعیین می‌کند و بر همین مبنا است که بین نظام حکومتی و الگوی توزیع فضایی قدرت سیاسی و اقتدار تصمیم‌گیری با نواحی جغرافیایی و واحدهای محلی رابطه وجود دارد (میرشکاران، ۱۳۹۲: ص ۶۸). به عبارت دیگر، بین قدرت تصمیم‌گیری و مدیریت امور در عرصه سرزمین و نحوه چگونگی اجرای این تصمیم از بالاترین سطح تصمیم‌گیری تا پایین‌ترین آن در واحدهای محلی، ارتباط وجود دارد.

۵-۲. اهتمام به جغرافیای فرهنگی کشور

جامعه مشترک ایرانیان از اقوام و فرهنگ‌های محلی متنوعی تشکیل شده و هر کدام از این فرهنگ‌ها و اقوام، علاوه بر هویت مشترک ایرانی و اسلامی، دارای خرده فرهنگ‌ها و هویت‌های منطقه‌ای و محلی خاص خود نیز هستند. به همین دلیل است که جامعه ایران را چند قومی یا چند فرهنگی می‌نامند (اخباری و ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ص ۴۵). در ایران، ویژگی‌های متمایزکننده اقوام از یکدیگر به ویژه بر مؤلفه‌های زبانی، مذهبی و نژادی متمرکز شده است (پیشگاهی فرد و امیدوی آوج، ۱۳۸۸: ص ۴۸). از لحاظ فرهنگی، ایران را می‌توان به دوازده منطقه تقسیم کرد که شامل ناحیه فرهنگی مرکزی (فارس)، آذربایجان، کردستان، بلوچستان، لرستان، بختیاری، خوزستان (عرب‌ها)، ترکمن، سیستان، مازندران، گیلان، هرمزگان، بوشهر و فارس جنوبی است (پورموسوی و همکاران، ۱۳۸۷: ص ۸۱-۸۵). با توجه به تنوع در استان‌ها، در سیاست‌گذاری‌های قومی بایستی به ناحیه‌های فرهنگی هر منطقه جغرافیایی نیز توجه نموده و سعی شود که محدوده‌های قومی و سیاسی- اداری انطباق کاملی داشته باشند. در استان‌هایی مانند گلستان (ترکمن و

فارس)، آذربایجان غربی (ترک و کرد)، خوزستان (عرب و فارس)، همدان (ترک، کرد، فارس و تا حدی استان ایلام (کرد و لر) - که جمعیت آن‌ها به طور نسبتاً متعادلی بین چند قوم تقسیم شده - موضوع تنوع قومی و عدم انطباق واحدهای قومی و سیاسی با یکدیگر از حساسیت و اهمیت بیشتری برخوردار است. در حالی که در دیگر استان‌های کشور یک قوم غالب وجود دارد و اقلیت‌های قومی کم‌تر از ۱۰ تا ۱۵ درصد است و تنوع قومی چندان اهمیتی ندارد (افروغ و رضوانی، ۱۳۷۹: ص ۱۹). این موضوع در تقسیمات کشوری هم دیده می‌شود که عدم انطباق نظام تقسیمات کشوری با جغرافیای فرهنگی کشور در نواحی فرهنگی داخل، نتایج مثبتی مانند کنترل واگرایی، تقویت همبستگی و حفظ یکپارچگی سرزمین را به دنبال داشته و نیز پیامدهای منفی مانند غالب شدن یک گروه فرهنگی، توسعه نامتوازن منطقه‌ای، رقابت‌های درون فضایی (قومی - مذهبی)، نخبه‌کشی فرهنگی و همچنین کاهش مقبولیت نظام را شاهد هستیم (پورموسوی و همکاران، ۱۳۸۷: ص ۸۱-۸۵). از نظر میزان اثرپذیری استان‌ها در شکل‌گیری خود از مؤلفه‌های قومی، زبانی، وضعیت جغرافیای طبیعی و وضعیت مذهبی منطقه، به ترتیب استان‌های کردستان، کرمانشاه، آذربایجان غربی، ایلام، آذربایجان شرقی و اردبیل دارای بیشترین اثرپذیری بوده‌اند (حافظنیا و همکاران، ۱۳۸۵: ص ۱۹).



نقشه ۱- میزان همگنی قومی در هریک از استان‌ها (دفتر تقسیمات کشوری وزارت کشور، ۱۳۷۹)

از آنجایی که یکی از اهداف سیاست‌های قومی وفاق، همبستگی اجتماعی و فرهنگی میان اقوام است، توجه به جغرافیای فرهنگی کشور و شباهت‌ها و تفاوت‌های فرهنگی میان مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی کشور- که یکی از اصول جغرافیای ناحیه‌ای است- می‌تواند زمینه کارکرد مناسب ناحیه‌ای، مشارکت بیشتر شهروندان، کاهش رقابت‌های قومی و مذهبی و در نتیجه افزایش هم‌گرایی ملی را به دنبال داشته باشد. بنابراین، مناسب‌ترین الگوی سیاست قومی، الگویی است که معطوف به تقویت همبستگی و انسجام ملی باشد و موجب تحقق نوعی هویت و وحدت ملی شود. برای دستیابی به چنین وضعیت مطلوبی باید هدف اصلی سیاست قومی و نیز اهداف کلان سیاست‌گذاری فرهنگی در نظر گرفته شود و این مهم به اتخاذ «سیاست قومی وحدت در تکرار قومی» وابسته است (حاجیان، ۱۳۸۰: ص ۵۲۱). در این میان، سازماندهی سیاسی فضاهای قومی در قالب نظام تقسیمات کشوری نقش بی‌بدیل و انکارناپذیری دارد (اعظمی و دبیری، ۱۳۹۰: ص ۷۰).

۳-۵. نگرورزی به توسعه موزون

گستره‌ای از کشور که شامل محدوده‌های مهم در مناطق مرزی و حاشیه‌ای می‌باشد، علی‌رغم قابلیت‌های فراوان، دارای شاخص‌های توسعه نامطلوب می‌باشند. بررسی شاخص‌های توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی حاکی از آن است که ایران دارای ساختار فضایی مرکز- پیرامون در مقیاس ملی، منطقه‌ای و محلی است. در سطح ملی، بخش مرکزی در مقایسه با پیرامون از توسعه‌یافتگی بیشتر و درجه دسترسی بالاتر به مزایای توسعه و منابع ملی برخوردار است. این نسبت در مناطقی از حاشیه که از حیث متغیرها و نیروها با بخش مرکزی نامتجانس هستند، به کم‌ترین میزان می‌رسد. این نابرابری‌ها شائبه وجود تبعیض در سیاست و اقدامات اجرایی دولت مرکزی را تقویت و اعتماد بخش حاشیه را از بخش مرکزی و دولت مرکزی سلب می‌کند و پتانسیل واگرایی را در این مناطق افزایش می‌دهد (حافظ‌نیا، ۱۳۹۵: ص ۱۸۶). برای برطرف نمودن این مشکل طراحی الگوها با در نظر قرار دادن اصل تعادل از طریق تمرکززدایی که این (اصل) ناظر بر توزیع فعالیت‌های سیستم در تمام فضای سرزمینی با توجه به قابلیت‌های نواحی و مناطق است، می‌تواند از طریق توزیع فعالیت‌ها در عرصه سیستم سرزمینی، توسعه موزون را در تمامی مناطق کم‌تر توسعه یافته که با محل زیست گروه‌های قومی نیز منطبق است، حل نماید. در واقع افزوده شدن توسعه متوازن، عوامل واگرایی سنتی مذهبی، قومیت و نژاد، را در مناطق حاشیه‌ای

کاهش می‌دهد. سیاست‌گذاری قومی که یکی از کارویژه‌های آن ایجاد تعادل‌های منطقه‌ای و فراهم‌سازی بسترهای توسعه متوازن است، باید بگونه‌ای عمل نماید که از شدت پدیده مرکز-پیرامون در ایران بکاهد.

۶. نتیجه‌گیری

در جمهوری اسلامی ایران، ضرورت اثبات کارآمدی، بیشتر از آنکه خواسته مردم باشد، دغدغه مسئولان نظام است که به عنوان یک تکلیف به کارآمدی یا ناکارآمدی سیستم فکر می‌کنند. چرا که کارآمدی نظام یعنی کارآمدی حکومت دینی، کارآمدی حکومت ولایی، کارآمدی حکومتی که هدف آن حاکمیت اسلام و برپایی نظام دینی است. ضرورت بقای ملت و کشور و نیز سرفرازی ملی نیز ایجاب می‌کند که ملت‌ها و دولت‌ها دائماً در تکاپوی حفاظت و افزایش قدرت ملی خود باشند و این امر مهم جز با افزایش کارآمدی در همه جوانب میسر نیست. مدیریت تنوعات قومی و نظارت جهت بهبود وضعیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی آنان وظیفه هر حکومتی می‌باشد که با سیاست‌گذاری مناسب از سوی نهادهای تصمیم‌ساز حاکمیتی انجام می‌پذیرد. اینکه این سیاست‌ها تا چه حد با واقعیت‌های فضایی و سیاسی هم‌خوانی دارد، بستگی به شناخت و وقوف متولیان این امر با شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور دارد. عدم بیش و برنامه‌ریزی بدون در نظر گرفتن واقعیت‌ها، باعث به هم خوردن تعادل‌های فضایی- اجتماعی خواهد شد. با توجه به دگرگونی در ابعاد مکان و زمان عناصر جغرافیایی- سیاسی، بایستی مولفه‌های موثر در سیاست‌گذاری تنوعات قومی نیز از پویایی و تحرک لازم برخوردار باشند تا ظرفیت‌های مکانی امکان بروز پیدا کرده و نابسامانی‌ها و ناهماهنگی‌ها به حداقل ممکن برسد. سیاست‌گذاری و مدیریت قومی از مهم‌ترین مسائل کشورها برای برنامه‌ریزی‌های سیاسی و اجتماعی، اداره بهتر و ایجاد هم‌گرایی ملی است و تا زمانی که سیاست‌گذاری‌ها به شکل اصولی انجام نگیرد، کارایی هرگونه سیاست‌گذاری کاهش می‌یابد. در ایران حفره‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در مقیاس و مناطق متعدد وجود دارند که از آنها می‌توان به گروه‌های سیاسی معاند و محارب، جنبش‌های استقلال‌طلبانه قومی، مذهبی، نژادی، وجود بحران‌ها در ابعاد مختلف آن، توزیع ناعادلانه امکانات و فقر اقتصادی و مهاجرت‌های اجتماعی نام برد. این حفره‌ها که در قلمرو ملی و مرتبط با مسائل قومیتی هستند، با مدیریت مطلوب و سیاست‌گذاری بهینه تنوعات قومی می‌توان آنها را پوشش داد. از بین بردن این معضلات که از جمله اهداف نظام سیاسی ایران است، حصول رضایت شهروندان و دیگر کسانی که

انتظاراتشان متوجه سیستم بوده و سیستم موظف به برآوردن آنهاست را در پی دارد. بر این اساس داشتن الزاماتی چون نگرش سیستمی به موضوع، اهتمام به جغرافیای فرهنگی و توزیع فضایی اقوام کشور، توجه به توسعه موزون در همه ابعاد اقتصادی و اجتماعی، ضرورت اجتناب‌ناپذیری است که سیاست‌گذاری‌های قومی باید این الزامات را مدنظر قرار دهند. سیاست‌گذاری یک موضوع ارزشی و هنجاری است، بنابراین، باید طراحی سیاست‌ها بر مبنای ارزش‌های جامعه و نظام سیاسی انجام شود. از سوی دیگر، اهداف و چشم‌انداز مطلوب سیاست‌گذاری نیز باید به دقت مشخص گردد تا علاوه بر قرار گرفتن سیاست‌ها در مسیر رسیدن به اهداف، امکان ارزیابی دقیق از سیاست‌ها در حوزه اجرا فراهم گردد. تعیین الزامات سیاست‌گذاری از این جهت نیز دارای اهمیت است که از انحراف سیاست‌گذاری از مسیر اهداف نظام سیاسی جلوگیری می‌نماید. امروزه مهم‌ترین بحران در مناطق قوم‌نشین، مسئله توزیع عادلانه فرصت، دسترسی عادلانه به قدرت و ثروت و سایر زیرمجموعه‌های عدالت به عنوان یک اصل اساسی برای اداره حکومت است. باید پذیرفت که نظام جمهوری اسلامی در تحقق شاخص‌های عدالت‌گستری چندان موفق عمل نکرده و این عارضه به یک زخم کهنه بر پیکره شهروندان این کشور تبدیل شده است. هرچند با تحلیل محتوای کمی برنامه‌های توسعه می‌توان به ارتقای جایگاه عدالت اذعان نمود، لیکن در عمل این طور به ذهن متبادر می‌شود که شاخص‌های عدالت نسبت به سال‌های آغازین انقلاب اسلامی با افت بیشتری روبه‌رو بوده است. رعایت الزامات یاد شده به ما کمک می‌کند که تمامی اجزاء موثر در فرایند سیاست‌گذاری‌ها را بررسی نماییم و نقاط قوت و ضعف آن را بشناسیم تا بهترین روش برای اجرا در فضای سرزمینی انتخاب گردد و با استفاده از اصل استفاده بهینه از حداکثر توانایی و ظرفیت‌های کشور برای رسیدن به اهداف و منافع ملی تلاش نمائیم. وجود یک سیستم فعال و هوشمند که عناصر و اجزایش به همراه کار- ویژه‌هایشان در خدمت اهداف سیستم بوده، می‌تواند ساختار ارتباطی میان اقوام و حاکمیت را براساس اهداف سیستم ایجاد و هم‌افزایی بین آنها را شدت بخشیده و کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران را افزایش دهد. بنابراین، رعایت الزامات سیاست‌گذاری قومی، از ضروریات هدایت بهینه در حوزه مدیریت اقوام بوده و با توجه به آن، حرکت در مسیر یک سیاست‌گذاری مناسب و دقیق علاوه بر توجه به چشم‌انداز، اهداف و اصول حاکم بر سیاست‌گذاری، دستیابی به اهداف که کارآمدی نظام جمهوری اسلامی است را به دنبال خواهد داشت.

منابع

- اخباری، محمد؛ ذوالفقاری، حسین (۱۳۸۸). تحلیل ژئوپلیتیک قومیت در ایران با تأکید بر فرصت‌آفرینی یا چالش‌زایی. ژئوپلیتیک، دوره ۵، شماره ۱۶: صص ۴۵-۶۹.
- اسمیت، آنتونی (۱۳۷۷). منابع قومی ناسیونالیسم. *مطالعات راهبردی*، دوره ۱، شماره ۱: صص ۱۸۳-۲۰۶
- اعظمی، هادی؛ دبیری، علی اکبر (۱۳۹۰). تحلیل عناصر تهدید سیاسی - امنیتی در نظام تقسیمات کشوری ایران. *برنامه‌ریزی و آمایش فضا*، دوره ۱۵، شماره ۴: صص ۶۳-۸۳.
- افروغ، عماد؛ رضوانی، محمدرضا (۱۳۷۹). *مطالعات طرح جامع تقسیمات کشوری*. تهران: دفتر تقسیمات کشوری، وزارت کشور.
- آقابخشی، علی (۱۳۸۹). *فرهنگ علوم سیاسی*. تهران: چاپار.
- بابایی ساخمرس، مرتضی (۱۳۹۸). ارزیابی نقش رسانه ملی در کارآمدی سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران براساس منویات امام خمینی از منظر دانشگاهیان. *سیاست متعالیه*، دوره ۷، شماره ۲۷: صص ۲۱۱-۲۴۴.
- پورموسوی، سید موسی؛ میرزاده کوهشاهی مهدی؛ رهنما قره خانگللو، جهانبخش (۱۳۸۷). سازماندهی سیاسی فضا و نواحی فرهنگی و کارکردی در ایران. *ژئوپلیتیک*، سال ۴، شماره ۳: صص ۷۵-۱۰۱.
- پیشگاهی فرد، زهرا؛ امیدوی آوج، مریم (۱۳۸۸). ارتباط بین پراکندگی اقوام ایرانی و امنیت مرزها. *ژئوپلیتیک*، سال ۵، شماره ۱: صص ۴۸-۷۱.
- جعفری، محمدرضا (۱۳۸۹). *فرهنگ نشر نو*. تهران: تنویر.
- جمشیدی‌راد، محمدصادق؛ ادیب بهروز، محسن (۱۳۹۸). الزامات و بایسته‌های تحقق تمدن نوین اسلامی بر مبنای سیره سیاسی پیامبر (ص). *سیاست متعالیه*، دوره ۷، شماره ۲۴: صص ۱۰۱-۱۱۸.
- حاجیان، ابراهیم (۱۳۸۰). مسئله وحدت ملی و الگوی سیاست قومی در ایران. *نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران*، سال اول، شماره ۳: صص ۱۳۷-۱۷۷.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۵). *جغرافیای سیاسی ایران*. تهران: انتشارات سمت.
- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ رومینا، ابراهیم؛ احمدی‌پور، زهرا؛ فانی، علی اصغر (۱۳۹۲). مدیریت سیاسی فضا در سیستم‌های بسیط متمرکز. *ژئوپلیتیک*، شماره ۲۹: صص ۱-۳۱.
- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ قصری، محمد؛ احمدی، حمید؛ حسینی، حسین (۱۳۸۵). قومیت و سازماندهی سیاسی فضا (غرب و شمال غرب کشور). *ژئوپلیتیک*، دوره ۱، شماره ۲: صص ۱-۲۶.
- حسین‌زاده، محمدعلی (۱۳۹۳). *سازوکارهای افزایش کارآمدی قدرت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران*. رساله دکتری. قم: دانشکده انقلاب اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی.
- دفتر تقسیمات کشوری (۱۳۷۹). *بررسی وضعیت طبیعی و اجتماعی و سیاسی استان‌های کشور*. تهران: وزارت کشور.

- دیلمقانی، فرشید؛ قاسمی ترکی، محمدعلی (۱۳۹۶). جایگاه هویت ملی در ایران؛ نگاهی به تطور تاریخی الگوها و سیاست‌های هویت ملی از زمان باستان تا دوره پهلوی اول. *سیاست متعالیه*، دوره ۵، شماره ۱۹: ص ۱۵۵-۱۷۶.
- رضانیان، علی (۱۳۹۵). *اصول مدیریت*. تهران: انتشارات سمت.
- رومینا، ابراهیم (۱۳۹۰). *تبیین مدیریت سیاسی فضا در سیستم‌های بسیط متمرکز مطالعه موردی: ایران*. رساله دکتری. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- رهدار، احمد؛ موسوی شربینانی، سید جلال (۱۳۹۹). شاخصه‌های کارآمدی سیاسی نظام برآمده از اندیشه ولایت فقیه. *سیاست متعالیه*، دوره ۸، شماره ۲۹: ص ۲۱۱-۲۳۰.
- زاهدی، شمس‌السادات (۱۳۹۰). *فرهنگ جامع مدیریت*. تهران: چاپ سپهر.
- سیف‌اللهی، سیف‌الله؛ حافظ‌امینی، حمیرا (۱۳۸۸). برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی و تاثیر آن بر واگرایی و هم‌گرایی گروه‌های قومی در ایران. *پژوهشنامه علوم اجتماعی*، سال ۳، شماره ۲: ص ۶۷-۹۸.
- عسگری، سید قدیر (۱۳۹۶). *بررسی تطبیقی نقش و جایگاه هویت ملی و هویت دینی در کارآمدی نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. شیراز: دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز.
- فرنج، درک (۱۳۹۴). *فرهنگ توصیفی مدیریت*. ترجمه محمد صائبی. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- قیصری، نورالله؛ قربانی، مصطفی (۱۳۹۴). کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران؛ مدلی برای سنجش و ارزیابی. *دانش سیاسی*، دوره ۱۱، شماره ۲: ص ۱۲۹-۱۴۸.
- کاویانی‌راد، مراد (۱۳۸۹). *ناحیه‌گرایی در ایران از منظر جغرافیای سیاسی*. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- گلریز، حسین (۱۳۹۲). *فرهنگ توصیفی لغات و اصطلاحات علوم اقتصادی*. تهران: مرکز آموزش بانکداری.
- محمودی، ابوالقاسم؛ افضلی، رسول؛ ذکی، یاشار؛ یزدان پناه، کیومرث (۱۳۹۸). ارزیابی الگوهای سیاست‌گذاری و مدیریت قومی در ایران. *مجلس راهبرد*، دوره ۲۷، شماره ۹۹: ص ۲۴۹-۲۷۶.
- مرتضوی، سید ضیاء (۱۳۷۸). کارآمدی نظام جمهوری اسلامی. *حکومت اسلامی*، دوره ۴، شماره ۱۵: ص ۲-۱۶.
- میرشکاران، یحیی (۱۳۹۲). *الگویابی سازماندهی سیاسی فضا در ساختارهای بسیط با تاکید بر ایران*. رساله دکتری. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- هیوز، آون (۱۳۹۷). *مدیریت دولتی نوین*. ترجمه مهدی الوانی و همکاران. تهران: نشر مروارید.
- Bajawa, A. & Woodall, J. (2006). Equal Opportunity and Diversity Management Meet Downsizing: a case study in the UK airline industry. *Employee Relations*, Vol. 28, No1.
- Bogaert, S. & Vloeberghs, D. (2005). Differentiated and Individualized Personnel Management: Diversity Management in Belgium. *European Management Journal*, Vol. 23, No.4: P. 483-493.
- Carlisle, H.M. (1976). **Management, Concepts and Situations**. Chicago: Science Reserch Associates.
- Esty, D. (2006). Good Governance at the Supranational Scale. *Faculty Scholarship Series*, Vol. 20, No.1: P.1502-1532.
- Ianos, I. (2000). **Sisteme Teritorialeg Bucuresti**. Romania: Piata Presei Libere.

- None name (2006). When the rhetoric doesn't match the reality: equality and diversity in recruitment and retention of staff. *Human Resource Management International Digest*, Vol. 14, No.3: P.29-33.
- Thomas, R. (1996). **Redefining Diversity**. New York: American Management Association.
- Waters, M. & Vang, Z. (2005). The Challenges of Immigration to Race Based Diversity Policies in the United States, Paper presented at the Conference on the Art of the State III-Diversity and Canada's Future, Montebello, Quebec, Canada.

استناد به این مقاله

DOI: 10.22034/sm.2021.117454.1471

افضلی، رسول؛ ذکی، یاشار؛ محمودی، ابوالقاسم (۱۴۰۰). بررسی الزامات سیاست‌گذاری قومی و تاثیر آن در کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران. *سیاست متعالیه*، ۹(۳۴): ص ۲۱۱-۲۳۰.